

شهید رضا قليد(امير) شهسواری



سامانه جامع سرداران و دوزخ شهيده استان بوشهر

	نام پدر
۱۳۴۵	تاریخ تولد
بوشهر - دشتستان	محل تولد
۲/۱/۱۳۶۶	تاریخ شهادت
سکوی نفتی ابوذر	محل شهادت
پدافند	مسئولیت
سرباز	نوع عضویت
ناوی یکم	شغل
سیکل	تحصیلات
گلزار شهدا شهر دالکی	مدفن

زندگینامه

زندگی نامه ناوی یکم شهید رضا قلی(امیر) شهبواری:

رضا قلی(امیر) شهبواری در شهر یورماه سال ۱۳۴۵در دالکی متولد شد و دوران کودکی و تحصیلی خود را تا پایان دوره راهنمایی در دالکی پشت سر گذاشت و سپس وارد دبیرستان گردید و تا سال ۱۳۶۳به تحصیل اشتغال داشت و سپس ترک تحصیل کرد و جهت امرار معاش خانواده با پدر همکاری کرد.

شهید رضا قلی شهبواری یکی از صادق ترین و پاک ترین اعضای خانواده خود بود و چهره مظلوم و دوست داشتنی و همیشه خاموش و ساکتش دور از فساد و انحراف بود. در مردادماه سال ۱۳۶۵ وارد خدمت مقدس سربازی گردید و دوره آموزشی خود را در سیرجان به پایان رسانید و سپس به منظور حفاظت از آب های نیلگون خلیج فارس به عنوان ناوی وظیفه به پایگاه نیروی دریایی بوشهر آمد و در مدت ۴ماه خدمت سربازی به مأموریت های مختلف و متعددی جهت پدافند به جزایر و سکوهای خلیج فارس اعزام گردید. تا این که در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۹ داوطلبانه جهت حفاظت از سکوی نفتی ابوذر به آن ناحیه اعزام گردید و در حال دفاع از میهن اسلامی خود در همان سکو در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲ به فیض عظمای شهادت نائل آمد. به امید فتح و ظفر نهایی ظفر مردان اسلام و به امید توفیق ادامه راه تمام گلگون کفنان انقلاب اسلامی.

مصاحبه

شهید از زبان مادر:

پدرش به خاطر ارادت خاصی که به ائمه اطهار (ع) داشت نام شهید را انتخاب کرد. در سنین قبل از دبستان او را به مکتب خانه فرستادیم. امیر موقع اذان به مسجد نزدیک منزلمان می رفت و اذان می گفت. به همه اعضای خانواده عشق می ورزید. در برابر خانواده احساس مسئولیت عجیبی داشته. خیلی منظم بود و تکالیف مدرسه ای را به خوبی انجام می داد. به خاطر بیماری رماتیسم یک سال از مدرسه عقب افتاد. همه فرزندانم از دستوراتش پیروی می کردند چون نسبت به خواهران و برادران خود بسیار حساس بود. رابطه اش با دوستان بسیار صمیمی بود.

در مراسم سوگواری ابا عبدالله الحسین (ع) شرکت فعال داشت. در ایام ماه مبارک رمضان شب ها در مراسم قرآن و روضه خوانی شرکت می کرد و روزها روزه می گرفت. در کار کشاورزی به پدر بزرگش کمک می کرد. به ورزش، مسجد، مطالعه و شرکت در جلسات مذهبی علاقه فراوان داشت و در اوایل پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی شرکت می کرد. به پدر و مادر و خواهر و برادرانش احترام می گذاشت و در هر کاری با آن ها مشورت می کرد. نسبت به همسایگان احترام خاصی قائل بود و همیشه به افراد فقیر کمک می کرد.

علاقه او به امام به حدی بود که تمام سخنرانی های امام را جمع آوری می کرد و با جان و دل به سخنرانی ها گوش می داد. تمام کاست های سخنرانی امام را در قبل از انقلاب داشته. قبل از انقلاب با آن که سنی نداشت و دبستانی بود در تمام راهپیمایی ها شرکت می کرد و شعار روی دیوارها می نوشت و حتی چندین بار از استوار حیدری کتک خورده بود.

به نماز جماعت علاقه فراوانی داشت و دوست داشت همیشه در مسجد محل، نماز جماعت برگزار شود. هیچ وقت حق کسی را ضایع نمی کرد.

دوران آموزشی سربازی را در پادگان آموزشی سیرجان به پایان رسانید و بعد از آن به پدافند نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سکوی ابوذر پیوسته. هدف او دفاع از آرمان های امام و حفظ نظام جمهوری اسلامی در مقابل تهاجم استکبار جهانی بود. از دوستان نزدیک وی تعدادی به درجه رفیع شهادت نائل گشتند.

توسط یکی از بستگان از شهادت ایشان با خبر شدیم و یک هفته بعد در تاریخ ۹/۱/۱۳۶۶ او را تا گلزار شهدای دالکی بدرقه کردیم.



سامانه جامع سرداران و دوازدهمین استان بوئسهر